

## کیهان

مجموعهٔ مقالات در زمینهٔ **کیهان**

این مقاله به‌عنوان یک **مقالهٔ مادر** در این زمینه است.

**دنیاه کشتزار آخرت** براساس آموزه‌های قرآن، دنیا مقدمهٔ آخرت همچون کشتزاری است که انسان در آخرت محصولش را درو می‌کند، خدا در قرآن می‌فرماید: کسی که زراعت آخرت را بخواهد به او برکت داده و بر محصولش می‌افزایم و آن که فقط کشت دنیا را می‌طلبد کمی از آن به او دهیم و در آخرت هیچ بهره و نصیبی نخواهد داشت.(شوری، آیه ۲۰؛ نیز: اسراء، آیات ۱۸ و ۱۹)

از همین رو پیامبر(ص) می‌فرماید: الدنیا مَزرَعَةُ الْآخِرَةِ؛ دنیا کشتزار آخرت است.(عوالی اللّٰحی، ج ۱، ص ۲۶۷، حدیث ۶۶)

بنابراین، وقتی انسان از خدا می‌خواهد: پروردگارما! در دنیا به ما حسنهای و در آخرت حسنهای بدها و ما را از عذاب آتش نگاهدار(بقره، آیه ۲۰۱) در حقیقت می‌خواهد تا از این حسنه دنیا برای آخرت خویش بهره برده زیرا می‌داند که آنچه اسالت دارد، آخرت است که باقی و برقرار است و دنیا فانی است: مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ؛ آنچه در نزد شما است از میان می‌رود و آنچه نزد خدا است، باقی است. (نحل، آیه ۹۶) شکی نیست که چیزی که انسان برای آخرت ذخیره می‌کند، همان باقی است: زیرا آن چیزهای دنیوی هر چه باشند، فانی است و آن چیزهای اخروی و منسوب به خدا به‌عنوان «چه‌لله» باقی می‌ماند: كُلُّ مَنْ عَلَيَهَا فَاَن يُبْنِئِفِي وَجْهِ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ؛ هر چه بر زمین است فانی‌شونده است و تنها ذات ذوالجلال و گرامی پروردگارت باقی می‌ماند(الرّحمن، آیات ۲۶ و ۲۷)

به هر حال، فلسفه وجودی دنیا، مقدمه بودن برای آخرت است؛ بر این اساس، انسان باید بداند که اینجا عمل می‌کند و در آخرت از آن بهره‌مند می‌شود؛ در این‌باره امیرمومنان (علی‌ع) می‌فرماید: اِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ و لا حِسابَ و غدا حِسابٌ و لا عَمَلٌ؛ امروز روز عمل است و حسابی در کار نیست، و فردا روز حساب است و زمان عمل نیست.(نهج‌البلاغه، خطبه ۴۲؛ غررالحکم ج ۲، ص ۵۰۳)

**ایمان، مهم‌ترین و اساسی‌ترین ره توشه**

براساس آیات قرآن، انسان برای آخرتش می‌تواند سه چیز مهم و اساسی برگزیند و با خود به آن سرا ببرد؛ باید توجه داشتند امر مادی را نمی‌توان به سرای دیگر برد، بلکه روح عمل را با خود به سرای دیگر برد و این جز با تغییر مثبت در نفس و مرکز آن قلب به دست نمی‌آید؛ به این معنا که انسان می‌بایست با چیزهایی که خدا تعیین کرده، نفس خویش را چنان بیوراند که آن چیزها جزو ملکات و مَمَوَّماتِ نفس شود تا هنگام تَوَفّی نفس به دست خدا و فرشتگان(زمر، آیه ۴۲؛ انعام، آیه ۵۰) آن چیزها قابل انتقال به آخرت باشد، کسی که به خدا ایمان و آخرت اعتقاد داشته باشد، تلاش می‌کند تا رضایت خدا را براساس آنچه در قالب هدایت فطری‌هش، آیه ۵۰) و هدایت تشریحی وحیانی(بقره، آیات ۲ تا ۵ و ۲۱) انجام داده به دست آورد و این‌گونه قلب خویش را به‌عنوان قلب سلیم به آخرت ببرد؛ مَن آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ؛ کسی که قلب سلیم را به سوی خدا بیاورد.(شعراء، آیه ۸۹؛ صافات، آیه ۸۴)

خدا در قرآن بیان می‌کند که قلب سلیم زمانی شکل می‌گیرد که ایمان و تقوا و احسان در آن پدید آمده باشند؛ بر این اساس ترکیب و پاکسازی قلب از هر گونه امراض روحی و اخلاقی، شرط تقرب به خدا و

## قرآن بیان می‌کند که قلب سلیم زمانی شکل می‌گیرد که ایمان و تقوا و احسان در آن پدید آمده باشد؛ بر این اساس ترکیب و پاکسازی قلب از هر گونه امراض روحی و اخلاقی، شرط تقرب به خدا و بار یافتن به در گاه او و نیز شرط نجات از رسوایی و خواری قیامت است.

بار عاقبت در ده گاه (صافات، آیه ۸۴)، و نیز شرط نجات از رسوایی و خواری قیامت است.(شعراء، آیات ۸۷ و ۸۹) پس یکی از مهم‌ترین ره توشه‌های آخرت، ایمان است که اساس قلب سلیم را نیز تشکیل می‌دهد؛ زیرا چنین قلبی

ممکن است کسی بگوید چه کسی حاضر است که دوزخ و آتش ابدی آن را با اراده و آزادانه انتخاب کند؟ مگر دیوانه و احمق است؟ آدم عاقل که چنین انتخابی نمی‌کند.اما خدا در قرآن بیان می‌کند که اکثریت جن و انس با اراده خویش و آزادانه دوزخ را انتخاب می‌کنند، بی‌آنکه کسی آنان را وادار کند که آن را انتخاب کنند؛ در حالی که‌اندگی از مردمان در طول تاریخ پیش آمده و آسایش و آرامش ابدی را انتخاب می‌کنند و به دوزخ گرایش و تمایل داشته و از بهشت گریزانند و سعادت ابدی را نمی‌خواهند.

بر اساس آموزه‌های قرآن، انسان موجودی دارای اراده است که می‌تواند میان سعادت و شقاوت به هیچ اکراه و اجباری انتخاب آزاد داشته باشد؛ زیرا اراده در انسان به او اجازه می‌دهد تا هر چیزی را که می‌خواهد انتخاب کند. بنابراین، این پرسش پیش می‌آید که چرا اکثریت مردم به اراده آزادانه خویش دوزخ را می‌پذیرند و از انتخاب بهشت و سعادت ابدی سرباز می‌زنند؟ قرآن به این پرسش پاسخ می‌دهد.

### هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی

شاید کسانی را دیده باشید که به انتخاب خویش به قطب شمال و جنوب یا به بیابان‌ها و کویرهای بی‌آب و علف سفر می‌کنند یا خود را به قله‌های بلندی چون هیمالیا می‌رسانند تا زمانی‌که در آنجا به سر برند. آنها همه شرایط سخت بودن زمین و زمین‌لرزه را به جان می‌خورند و حتی تا پای جان پیش می‌روند و جان در این راه می‌دهند.

این گرایش‌ها در دشمن‌اندک از انسان‌ها وجود دارد که خود را در این شرایط سخت و جانکاه قرار دهند، و اکثریت مردم حاضر نیستند خود را از آن‌دانه در شرایط سخت قرار دهند،

بلکه اکثریت نزدیک و همه دوست دارند تا در بهترین شرایط قرار گیرند و آرامش و آسایش داشته باشند. از نظر اکثریت قریب به اتفاق مردم، قرار گیری در شرایط سخت قطب و کوپر، نوعی دیوانگی است که عقل آن را نمی‌پذیرد و انسان عاقل به طور ارادی حاضر به چنین انتخابی نیست. پرسش این است که اگر اکثریت قریب به اتفاق حاضر نیستند تا خود را به مشقت اندراند و در کوب و کوبن به زندگی پیش برود چرا اکثریت مردم بلکه اکثریت از جن و انس به تازگی قرآن، دوزخ را انتخاب می‌کنند و شقاوت ابدی را برای خویش رقم می‌زنند؟ از آسایش و آرامش محروم می‌شوند(اعراف، آیه ۱۷۹) که جایی که در دوزخ در شرایط نه مرگ نه زندگی دست پا می‌زند(اعلی، آیه ۱۲، طه، آیه ۷۴). بی‌آنکه لذتی ببرند؟

براساس تعالیم قرآن، اگر آخرت را از معادله دنیا و آخرت حذف کنیم، دنیا چیزی جز بوج و هیچ نخواهد بود؛ زیرا دنیا همانند کالبد و جسدی بدون روح است که آخرت به آن روح و معنا می‌بخشد و از توخالی و بوج بودن بیرون می‌آورد؛ چرا که زندگی دنیوی حتی در تمامیت کمالی آن، که انسان احساس خوشبختی کند و انواع آرامش‌ها و آسایش‌ها در آن فراهم باشد و شخص هیچ‌گاه بیمار یا فقیر و ندار نشود و همه چیز به کام باشد، دارای حقیقتی چون مرگ است که اگر به معنای قوت و نبیستی و نابودی باشد، زندگی دنیوی را بی‌ارزش می‌کند؛ زیرا مرگ با زندگی چنان آمیخته است که هر دم ممکن است به سرافش بیاید و همه چیز پایان یابد.

اما اگر حقیقتی به نام آخرت باشد که به معنای آغاز زندگی ابدی در جهانی دیگر است، دیگر انسان از مرگ نمی‌هراسد؛ زیرا دیگر مرگ به معنای «فوت» نیست، بلکه به معنای «وفات(زمر، آیه ۴۲) است که نفس انسانی به تمام و کمال گرفته شده و به جهان و سرای دیگر منتقل می‌شود؛ گویی کودکی از زهدان مادر دنیا خارج شده و به سرای بس بزرگ و باقی و پایدار و از هر جهت کامل وارد شده است. این‌گونه است که زندگی دنیوی معنا و مفهوم می‌یابد؛ زیرا دیگر بوج و توخالی نیست، بلکه روحی به نام آخرت در آن است که بدان معنا و مفهوم می‌بخشد و به زندگی انسان جهت می‌دهد.

با این همه یک پرسش اساسی پس از پذیرش آخرت مطرح است؛ و آن اینکه اگر آخرتی باشد که هست، چه چیزی برای آن جهان لازم است که انسان با خود داشته باشد. قرآن به این پرسش اساسی که از علوم غیبی غیرقابل دسترسی از طریق عادی است، از طریق وحی الهی، پاسخ داده و بیان می‌کند که مسافر آخرت باید ره توشه‌ای بردارد که عناصر اساسی آن را سه‌گانه ایمان، احسان و تقوا تشکیل می‌دهد.

## کسی که اهل احسان باشد، به تقوای الهی می‌رسد که می‌توان گفت نتیجه ایمان و احسان است؛ به سخن دیگر، ایمان و احسان فرزندی دارد که تقوای الهی نام دارد. کسی که به تقوای الهی برسد، همان ره توشه اصلی را دارا می‌شود؛ زیرا خدا می‌فرماید: برای خود توشه برگزید که در حقیقت بهترین توشه تقوا و پرهیز کاری است، و ای خردمندان از من پروا کنید!

بر فطرت و عهد الست باقی است که پروردگار عالم پروردگار اوست(اعراف، آیه ۱۷۲) خدا می‌فرماید:قطعا اجر و پاداش آخرت بهترین چیز برای کسانی است که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده‌اند.(یوسف، آیه ۵۷)

لذااگر کسی عمل صالح داشته باشد، اما فاقد ایمان باشد، چنین شخصی نمی‌تواند در آخرت از عمل صالح خویش بهره‌ای برده؛ زیرا شرط پرهیزمندی و تأثیر عمل صالح آن است که انسان شرط اول یعنی ایمان را دارا باشد، چرا که بنیاد هر چیزی ایمان است که همان ایمان به خدا و آخرت و اموری است که در آیات قرآن به‌عنوان لوازم ایمان بیان شده است. **احسان، دومین ره توشه سفر اخروی**

احسان به معنای نیکوکاری است؛ اما جلوه‌های گوناگونی دارد که از بندگی کسی برای خدا تا گذشتن از گناه وخطای دیگران(بقره، آیه ۲۲۷) تا اکرام و ایثار(حشر، آیه ۹) را شامل می‌شود.

خدا در قرآن درباره نقش احسان در آخرت می‌فرماید: و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنان که خدا به تو نیکه کرد نیک کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد.(قصص، آیه ۱۷)

از آیات بسیاری این معنا نیز به دست می‌آید، از نظر قرآن ترکیب ایمان و احسان است که انسان را نجات می‌دهد و شاکله شخصیتی او را چنان می‌سازد که نفس او در آخرت

## قرآن بیان می‌کند که قلب سلیم زمانی شکل می‌گیرد که ایمان و تقوا و احسان در آن پدید آمده باشد؛ بر این اساس تزکیه و پاکسازی قلب از هر گونه امراض روحی و اخلاقی، شرط تقرب به خدا و بار یافتن به در گاه او و نیز شرط نجات از رسوایی و خواری قیامت است.

دارای قلب سلیم خواهد بود؛ چنانکه حضرت ابراهیم(ع) این‌گونه با قلب سلیم به درگاه خدا باریافت.(صافات، آیه ۸۴) خدا می‌فرماید: و دین چه کسی بهتر است از آن که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است و از آیین ابراهیم

خدا در قرآن پاسخ می‌دهد که علت این انتخاب بسیار بد آزادانه ارادی اکثریت جن و انس، فقدان ژرفاندیشی، بصیرت، بی‌عقلی و بی‌فکری است(اعراف، آیه ۱۷۹)؛ زیرا این افراد بر خلاف هدایت فطری - تکوینی(طه، آیه ۵۰، شمس، آیات ۷ و ۸) و آموزه‌های وحیانی تشریحی موافق آن(روم، آیه ۳۰) عمل کرده و فطرت خویش را دفن کرده و قوای ادراکی و گرایشی الهی خویش را مہر زده‌اند.(شمس، آیات ۷ تا ۹، بقره، آیه ۷) در حقیقت این افراد، بسا انتخاب ارادی و آزادانه خویش، تبعیری را در فطرت خویش داده‌اند. این تغییرات در خلقت

خدا در قرآن پاسخ می‌دهد که علت این انتخاب بسیار بد آزادانه ارادی اکثریت جن و انس، فقدان ژرفاندیشی، بصیرت، بی‌عقلی و بی‌فکری است(اعراف، آیه ۱۷۹)؛ زیرا این افراد بر خلاف هدایت فطری - تکوینی(طه، آیه ۵۰، شمس، آیات ۷ و ۸) و آموزه‌های وحیانی تشریحی موافق آن(روم، آیه ۳۰) عمل کرده و فطرت خویش را دفن کرده و قوای ادراکی و گرایشی الهی خویش را مہر زده‌اند.(شمس، آیات ۷ تا ۹، بقره، آیه ۷) در حقیقت این افراد، بسا انتخاب ارادی و آزادانه خویش، تبعیری را در فطرت خویش داده‌اند. این تغییرات در خلقت

خدا در قرآن پاسخ می‌دهد که علت این انتخاب بسیار بد آزادانه ارادی اکثریت جن و انس، فقدان ژرفاندیشی، بصیرت، بی‌عقلی و بی‌فکری است(اعراف، آیه ۱۷۹)؛ زیرا این افراد بر خلاف هدایت فطری - تکوینی(طه، آیه ۵۰، شمس، آیات ۷ و ۸) و آموزه‌های وحیانی تشریحی موافق آن(روم، آیه ۳۰) عمل کرده و فطرت خویش را دفن کرده و قوای ادراکی و گرایشی الهی خویش را مہر زده‌اند.(شمس، آیات ۷ تا ۹، بقره، آیه ۷) در حقیقت این افراد، بسا انتخاب ارادی و آزادانه خویش، تبعیری را در فطرت خویش داده‌اند. این تغییرات در خلقت

خدا در قرآن پاسخ می‌دهد که علت این انتخاب بسیار بد آزادانه ارادی اکثریت جن و انس، فقدان ژرفاندیشی، بصیرت، بی‌عقلی و بی‌فکری است(اعراف، آیه ۱۷۹)؛ زیرا این افراد بر خلاف هدایت فطری - تکوینی(طه، آیه ۵۰، شمس، آیات ۷ و ۸) و آموزه‌های وحیانی تشریحی موافق آن(روم، آیه ۳۰) عمل کرده و فطرت خویش را دفن کرده و قوای ادراکی و گرایشی الهی خویش را مہر زده‌اند.(شمس، آیات ۷ تا ۹، بقره، آیه ۷) در حقیقت این افراد، بسا انتخاب ارادی و آزادانه خویش، تبعیری را در فطرت خویش داده‌اند. این تغییرات در خلقت

خدا در قرآن پاسخ می‌دهد که علت این انتخاب بسیار بد آزادانه ارادی اکثریت جن و انس، فقدان ژرفاندیشی، بصیرت، بی‌عقلی و بی‌فکری است(اعراف، آیه ۱۷۹)؛ زیرا این افراد بر خلاف هدایت فطری - تکوینی(طه، آیه ۵۰، شمس، آیات ۷ و ۸) و آموزه‌های وحیانی تشریحی موافق آن(روم، آیه ۳۰) عمل کرده و فطرت خویش را دفن کرده و قوای ادراکی و گرایشی الهی خویش را مہر زده‌اند.(شمس، آیات ۷ تا ۹، بقره، آیه ۷) در حقیقت این افراد، بسا انتخاب ارادی و آزادانه خویش، تبعیری را در فطرت خویش داده‌اند. این تغییرات در خلقت

خدا در قرآن پاسخ می‌دهد که علت این انتخاب بسیار بد آزادانه ارادی اکثریت جن و انس، فقدان ژرفاندیشی، بصیرت، بی‌عقلی و بی‌فکری است(اعراف، آیه ۱۷۹)؛ زیرا این افراد بر خلاف هدایت فطری - تکوینی(طه، آیه ۵۰، شمس، آیات ۷ و ۸) و آموزه‌های وحیانی تشریحی موافق آن(روم، آیه ۳۰) عمل کرده و فطرت خویش را دفن کرده و قوای ادراکی و گرایشی الهی خویش را مہر زده‌اند.(شمس، آیات ۷ تا ۹، بقره، آیه ۷) در حقیقت این افراد، بسا انتخاب ارادی و آزادانه خویش، تبعیری را در فطرت خویش داده‌اند. این تغییرات در خلقت

## براساس تعالیم قرآن، اگر آخرت را از معادله دنیا و آخرت حذف کنیم، دنیا چیزی جز بوج و هیچ نخواهد بود؛ زیرا دنیا همانند کالبد و جسدی بدون روح است که آخرت به آن روح و معنا می‌بخشد و از توخالی و بوج بودن بیرون می‌آورد؛ چرا که زندگی دنیوی حتی در تمامیت کمالی آن، که انسان احساس خوشبختی کند و انواع آرامش‌ها و آسایش‌ها در آن فراهم باشد و شخص هیچ‌گاه بیمار یا فقیر و ندار نشود و همه چیز به کام باشد، دارای حقیقتی چون مرگ است که اگر به معنای قوت و نبیستی و نابودی باشد، زندگی دنیوی را بی‌ارزش می‌کند؛ زیرا مرگ با زندگی چنان آمیخته است که هر دم ممکن است به سرافش بیاید و همه چیز پایان یابد.

اما اگر حقیقتی به نام آخرت باشد که به معنای آغاز زندگی ابدی در جهانی دیگر است، دیگر انسان از مرگ نمی‌هراسد؛ زیرا دیگر مرگ به معنای «فوت» نیست، بلکه به معنای «وفات(زمر، آیه ۴۲) است که نفس انسانی به تمام و کمال گرفته شده و به جهان و سرای دیگر منتقل می‌شود؛ گویی کودکی از زهدان مادر دنیا خارج شده و به سرای بس بزرگ و باقی و پایدار و از هر جهت کامل وارد شده است. این‌گونه است که زندگی دنیوی معنا و مفهوم می‌یابد؛ زیرا دیگر بوج و توخالی نیست، بلکه روحی به نام آخرت در آن است که بدان معنا و مفهوم می‌بخشد و به زندگی انسان جهت می‌دهد.

با این همه یک پرسش اساسی پس از پذیرش آخرت مطرح است؛ و آن اینکه اگر آخرتی باشد که هست، چه چیزی برای آن جهان لازم است که انسان با خود داشته باشد. قرآن به این پرسش اساسی که از علوم غیبی غیرقابل دسترسی از طریق عادی است، از طریق وحی الهی، پاسخ داده و بیان می‌کند که مسافر آخرت باید ره توشه‌ای بردارد که عناصر اساسی آن را سه‌گانه ایمان، احسان و تقوا تشکیل می‌دهد.

## کسی که اهل احسان باشد، به تقوای الهی می‌رسد که می‌توان گفت نتیجه ایمان و احسان است؛ به سخن دیگر، ایمان و احسان فرزندی دارد که تقوای الهی نام دارد. کسی که به تقوای الهی برسد، همان ره توشه اصلی را دارا می‌شود؛ زیرا خدا می‌فرماید: برای خود توشه برگزید که در حقیقت بهترین توشه تقوا و پرهیز کاری است، و ای خردمندان از من پروا کنید!

بر فطرت و عهد الست باقی است که پروردگار عالم پروردگار اوست(اعراف، آیه ۱۷۲) خدا می‌فرماید:قطعا اجر و پاداش آخرت بهترین چیز برای کسانی است که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده‌اند.(یوسف، آیه ۵۷)

لذااگر کسی عمل صالح داشته باشد، اما فاقد ایمان باشد، چنین شخصی نمی‌تواند در آخرت از عمل صالح خویش بهره‌ای برده؛ زیرا شرط پرهیزمندی و تأثیر عمل صالح آن است که انسان شرط اول یعنی ایمان را دارا باشد، چرا که بنیاد هر چیزی ایمان است که همان ایمان به خدا و آخرت و اموری است که در آیات قرآن به‌عنوان لوازم ایمان بیان شده است. **احسان، دومین ره توشه سفر اخروی**

احسان به معنای نیکوکاری است؛ اما جلوه‌های گوناگونی دارد که از بندگی کسی برای خدا تا گذشتن از گناه وخطای دیگران(بقره، آیه ۲۲۷) تا اکرام و ایثار(حشر، آیه ۹) را شامل می‌شود.

خدا در قرآن درباره نقش احسان در آخرت می‌فرماید: و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنان که خدا به تو نیکه کرد نیک کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد.(قصص، آیه ۱۷)

از آیات بسیاری این معنا نیز به دست می‌آید، از نظر قرآن ترکیب ایمان و احسان است که انسان را نجات می‌دهد و شاکله شخصیتی او را چنان می‌سازد که نفس او در آخرت

## قرآن بیان می‌کند که قلب سلیم زمانی شکل می‌گیرد که ایمان و تقوا و احسان در آن پدید آمده باشد؛ بر این اساس تزکیه و پاکسازی قلب از هر گونه امراض روحی و اخلاقی، شرط تقرب به خدا و بار یافتن به در گاه او و نیز شرط نجات از رسوایی و خواری قیامت است.

دارای قلب سلیم خواهد بود؛ چنانکه حضرت ابراهیم(ع) این‌گونه با قلب سلیم به درگاه خدا باریافت.(صافات، آیه ۸۴) خدا می‌فرماید: و دین چه کسی بهتر است از آن که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است و از آیین ابراهیم

# انتخاب آزادانه دوزخ چرا و چگونه؟

محققان علمی می‌گویند که دوزخ دنیوی در واقع دوزخ دیگری است که خدا در قرآن برای انتخاب آزادانه دوزخ از سوی اکثریت جن و انس مطرح می‌کند، وسوسه‌های شیطانی است؛ زیرا شیطان به‌عنوان دشمن غیرقابل دین(اعراف، آیه ۲۷) به‌گونه‌ای عمل می‌کند که شخص گمان می‌کند، چیزی که می‌اندیشد یا بیان می‌کند، افکار و اندیشه‌ها و بیانات خودش است؛ در حالی که این امور القائات و وحی شیطانی است.ان الشیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلواکم؛ به راستی که شیاطین به دوستان خود الهام می‌کنند تا با شما مجادله کنند.(انعام، آیه ۱۱۲؛ و نیز انعام، آیه ۱۱۲)

این دشمن چنان در انسان تأثیر دارد که او را ابتزاری برای تغییرات شیطانی در خلقت می‌کند.(نساء، آیه ۱۱۹) از این رو شیاطین حتی و انسی(انعام، آیه ۱۱۲) در خدمت یکدیگر در مسیر تغییر فطرت عمل می‌کنند و شرایط را

اولین ظلمي که انسان به خود می‌کند، فراموشی خدا و هدف خلقت انسان و لقاۀ الله در آخرت است(ص، آیه ۲۶؛ اعراف، آیه ۵۱) خدا همه هستی انسان را شکل داده و می‌سازد و انسان چیزی جز ظهور انوار صفات و اسمای الهی نیست.

(نور، آیه ۳۵) پس کسی که خدا را فراموش کرده، خودش را فراموش کرده(توبه، آیه ۶۷؛ حشر، آیه ۱۹) و این گونه ظلم عظیم به خود روا داشته و گرفتار فسق می‌شود(همان)؛ زیرا خدا حنیف حمید است و زبانی به او نمی‌رسد. فراموشی لقاۀالله و آخرت نیز سست و سوی انسان را از آخرت به سوی دنیا تغییر می‌دهد و این‌گونه انسان دنیا طلب می‌شود و آخرت در برنامه او جایگاهی ندارد؛ از همین رو این افراد دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند(اعلی، آیه ۱۶)

حال آن‌که هواهای نفسانی به سبب خروج نفس از بدن افراد موجب می‌شود که انسان در شرایطی قرار گیرد که خدا و آخرت را فراموش کند و زندگی دنیوی را بر آخرت ترجیح دهد و همه همت و تلاش خویش را برای زندگی دنیوی بگذارد. این انتخابی ارادی است که خروجی آن چیزی جز آتش دوزخ نیست؛ زیرا چنین شخصی بر خلاف

### معارف

Maarefkayhan@Kayhan.ir

مجموعهٔ مقالات در زمینهٔ **کیهان**

براساس تعالیم قرآن، اگر آخرت را از معادله دنیا و آخرت حذف کنیم، دنیا چیزی جز بوج و هیچ نخواهد بود؛ زیرا دنیا همانند کالبد و جسدی بدون روح است که آخرت به آن روح و معنا می‌بخشد و از توخالی و بوج بودن بیرون می‌آورد؛ چرا که زندگی دنیوی حتی در تمامیت کمالی آن، که انسان احساس خوشبختی کند و انواع آرامش‌ها و آسایش‌ها در آن فراهم باشد، دارای حقیقتی چون مرگ است که اگر به معنای قوت و نبیستی و نابودی باشد، زندگی دنیوی را بی‌ارزش می‌کند؛ زیرا مرگ با زندگی چنان آمیخته است که هر دم ممکن است به سرافش بیاید و همه چیز پایان یابد.

اما اگر حقیقتی به نام آخرت باشد که به معنای آغاز زندگی ابدی در جهانی دیگر است، دیگر انسان از مرگ نمی‌هراسد؛ زیرا دیگر مرگ به معنای «فوت» نیست، بلکه به معنای «وفات(زمر، آیه ۴۲) است که نفس انسانی به تمام و کمال گرفته شده و به جهان و سرای دیگر منتقل می‌شود؛ گویی کودکی از زهدان مادر دنیا خارج شده و به سرای بس بزرگ و باقی و پایدار و از هر جهت کامل وارد شده است. این‌گونه است که زندگی دنیوی معنا و مفهوم می‌یابد؛ زیرا دیگر بوج و توخالی نیست، بلکه روحی به نام آخرت در آن است که بدان معنا و مفهوم می‌بخشد و به زندگی انسان جهت می‌دهد.

با این همه یک پرسش اساسی پس از پذیرش آخرت مطرح است؛ و آن اینکه اگر آخرتی باشد که هست، چه چیزی برای آن جهان لازم است که انسان با خود داشته باشد. قرآن به این پرسش اساسی که از علوم غیبی غیرقابل دسترسی از طریق عادی است، از طریق وحی الهی، پاسخ داده و بیان می‌کند که مسافر آخرت باید ره توشه‌ای بردارد که عناصر اساسی آن را سه‌گانه ایمان، احسان و تقوا تشکیل می‌دهد.

برای خدا باشد و هر کاری که انجام دهد تنها «وجه‌الله» را مد نظر قرار دهد و در همان حال احسان کند تا این‌گونه در مکتب خلیل‌الله قرار گیرد و خدا او را خلیل خود در دنیا و آخرت قرار دهد.

اگر انسان تنها برای وجه‌الله احسان کند، به حقیقتی آویخته که او را از بدر فراموشی نجات داده و به خوش‌فرجی می‌رساند و ضمن تقرب به خدا، در بهشت رضوان قرار می‌دهد.

(انسان، آیات ۱۰ تا ۲۲)

از نظر قرآن، پاداش اخروی برای مومنان و کسانی است که تقوای الهی را پیشه می‌گیرند.(یوسف، آیه ۵۷) به هر حال، حسنات دنیوی باید برای آخرت در قالب ره‌توشه مورد استفاده قرار گیرد و انسان لباس تقوا را به تن کند تا او را از شرور اخروی دوزخ حفظ و زیبایی و آراستگی را برایش به‌عنوان هبل بهشت فراهم آورد.وَلِبَاسٌ التَّوْفَى ذَکَبٌ خَیْرٌ(اعراف، آیه ۲۶)

از نظر قرآن، انسان لازم است همه برنامه‌های خویش را برای آخرت در دنیا ساماندهی کند و کاری را در دنیا برای دنیا انجام ندهد و از خدا حسنات دنیوی را برای دنیای خویش نخواهد بلکه برای آخرت و ره توشه اخروی از آن بهره گیرد؛ چنان‌که خدا می‌فرماید: و به کسانی که تقوا پیشه کردند گفته شود پروردگارتان چه نازل کرد؟ می‌گویند خوبی. برای کسانی که در این دنیا نیکي کردند پاداش نیکویی است و قطعا سرای آخرت بهتر

خدا در قرآن به‌عنوان یک قانون کلی و سنت الهی می‌فرماید: و هر کس خود را در حالی که نیکوکار باشد تسلیم خدا کند قطعا به ریسمن استوارتری چنگ زده و فرجام کارها به سوی خداست.(لقمان، آیه ۲۲)

این‌گونه است که شخص به سعادت ابدی در آخرت دست می‌یابد؛ چنانکه خدا می‌فرماید: آری هر کس که خود را با تمام وجود به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد پس مرد وی پیش پروردگار اوست و بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد (بقره، آیه ۱۱۲)

**تقوای الهی، معیار سنجش انسان در آخرت**

از نظر آموزه‌های قرآن، انسان در آخرت با ترازوی

هدایت فطری الهامی و هدایت وحیانی تشریحی عمل می‌کند و با تکذیب آیات الهی و انکار دین و قیامت و حسابرسی آن، دوزخ و شقاوت ابدی را برای خود برمی‌گزیند.

**ب) وسوسه‌های شیطانی**
علت دیگری که خدا در قرآن برای انتخاب آزادانه دوزخ از سوی اکثریت جن و انس مطرح می‌کند، وسوسه‌های شیطانی است؛ زیرا شیطان به‌عنوان دشمن غیرقابل دین(اعراف، آیه ۲۷) به‌گونه‌ای عمل می‌کند که شخص گمان می‌کند، چیزی که می‌اندیشد یا بیان می‌کند، افکار و اندیشه‌ها و بیانات خودش است؛ در حالی که این امور القائات و وحی شیطانی است.ان الشیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلواکم؛ به راستی که شیاطین به دوستان خود الهام می‌کنند تا با شما مجادله کنند.(انعام، آیه ۱۱۲؛ و نیز انعام، آیه ۱۱۲)

این دشمن چنان در انسان تأثیر دارد که او را ابتزاری برای تغییرات شیطانی در خلقت می‌کند.(نساء، آیه ۱۱۹) از این رو شیاطین حتی و انسی(انعام، آیه ۱۱۲) در خدمت یکدیگر در مسیر تغییر فطرت عمل می‌کنند و شرایط را

اولین ظلمي که انسان به خود می‌کند، فراموشی خدا و هدف خلقت انسان و لقاۀ الله در آخرت است(ص، آیه ۲۶؛ اعراف، آیه ۵۱) خدا همه هستی انسان را شکل داده و می‌سازد و انسان چیزی جز ظهور انوار صفات و اسمای الهی نیست.

(نور، آیه ۳۵) پس کسی که خدا را فراموش کرده، خودش را فراموش کرده(توبه، آیه ۶۷؛ حشر، آیه ۱۹) و این گونه ظلم عظیم به خود روا داشته و گرفتار فسق می‌شود(همان)؛ زیرا خدا حنیف حمید است و زبانی به او نمی‌رسد. فراموشی لقاۀالله و آخرت نیز سست و سوی انسان را از آخرت به سوی دنیا تغییر می‌دهد و این‌گونه انسان دنیا طلب می‌شود و آخرت در برنامه او جایگاهی ندارد؛ از همین رو این افراد دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند(اعلی، آیه ۱۶)

حق سنجیده می‌شود و وزن آن همان تقوای الهی است؛ لذا می‌فرماید: اِنْ اَكْمَرَكَ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكَ بَرَأْسَتِي كِه گرمای ترین شما در نزد خدا با تقواترین شماست.(حجرات، آیه ۱۳)

کسی که اهل احسان باشد، به تقوای الهی می‌رسد که می‌توان گفت نتیجه ایمان و احسان است؛ به سخن دیگر، ایمان و احسان فرزندی دارد که تقوای الهی نام دارد. کسی که به تقوای الهی برسد، همان ره توشه اصلی را دارا می‌شود؛ زیرا خدا می‌فرماید: برای خود توشه برگزید که در حقیقت بهترین توشه تقوا و پرهیز کاری است و ای خردمندان از من پروا کنید(بقره، آیه ۱۹۷)

چنان‌که گفته شد اگر حسنات دنیوی برای آخرت نباشد، هیچ ارزش واقعی و حقیقی نخواهد داشت؛ زیرا چیزی جز باطل و لهو و لعب نخواهد بود.(حجید، آیه ۲۰؛ آل عمران، آیه ۱۱۴) از همین رو خدا می‌فرماید: آیا ندیدی کسانی را که (در مگه) به آنها گفته شد: قفلا دست از جهاد بدارید! و نماز را برپا کنیدا و زکات بپردازید!؟ (لَا أَنهَا از این دستور، ناراحت بودند)، ولی هنگامی که (در مدینه) فرمان جهاد به آنها داده شد، جمعی از آنان، از مردم می‌ترسیدند، همان‌گونه که از خدا می‌ترسند، بلکه بیشتر! و گفتند: «پروردگارا! چرا جهاد را بر ما مقرر داشتی؟! چرا این فرمان را از زمان نزدیکی تأخیر نینداختی؟!» به آنها بگو: «سرمایه زندگی دنیا، ناچیز است! و سرای آخرت، برای کسی که پرهیزکار باشد، بهتر است! و به اندازه رشته شکاف هسته خرمایی، به شما شتم نخواهد شد! (نساء، آیه ۷۷)

همچنین خدا درباره بوج بودن دین بدون هدف اخروی تأثیر سز در عاقبت به خیری انسان و به‌عنوان بهترین ره توشه اخروی می‌فرماید: و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و قطعا سرای بازپسین برای کسانی که پرهیزکاری می‌کنند بهتر است، آیا نمی‌اندیشید؟ (انعام، آیه ۳۲؛ و نیز نگاه کنید: اعراف، آیه ۱۶۹؛ یوسف، آیه ۱۰۹)

از نظر قرآن، پاداش اخروی برای مومنان و کسانی است که تقوای الهی را پیشه می‌گیرند.(یوسف، آیه ۵۷)

به هر حال، حسنات دنیوی باید برای آخرت در قالب ره‌توشه مورد استفاده قرار گیرد و انسان لباس تقوا را به تن کند تا او را از شرور اخروی دوزخ حفظ و زیبایی و آراستگی را برایش به‌عنوان هبل بهشت فراهم آورد.وَلِبَاسٌ التَّوْفَى ذَکَبٌ خَیْرٌ(اعراف، آیه ۲۶)

از نظر قرآن، انسان لازم است همه برنامه‌های خویش را برای آخرت در دنیا ساماندهی کند و کاری را در دنیا برای دنیا انجام ندهد و از خدا حسنات دنیوی را برای دنیای خویش نخواهد بلکه برای آخرت و ره توشه اخروی از آن بهره گیرد؛ چنان‌که خدا می‌فرماید: و به کسانی که تقوا پیشه کردند گفته شود پروردگارتان چه نازل کرد؟ می‌گویند خوبی. برای کسانی که در این دنیا نیکي کردند پاداش نیکویی است و قطعا سرای آخرت بهتر

## خدا درباره پوچ بودن تفکر بدون هدف اخروى و تأثیر تقوا در عاقبت به خیرى انسان و به‌عنوان بهترین ره‌توشه اخروى می‌فرماید: سرگرمى نیست و قطعاً سرای بازپسین برای کسانی که پرهیزکاری می‌کنند بهتر است، آیا نمی‌اندیشید؟

خدا به چه نیامست سرای پرهیزگاران. (نحل، آیه ۳۰) پس از آنچه گفته شد معلوم گردید که عناصر توشه آخرت را ایمان، احسان و تقوا تشکیل می‌دهد که در کام با یکدیگر مرتبط هستند.

دين اولیٰ قد تبين الرشيد من العی؛ هیچ اکراه و اجباری در فین اسلام نیست؛ بتحقیق رشد از گمراهی جدا و روشن شده است.(بقره، آیه